

زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمره در متون ادب فارسی از منظر هانس روبرت یاوس (پژوهشی)

نغمه حسین قزوینی*

منصور حسامی**

چکیده

اشیاء روزمره مبنای بسیاری از تشبیهات و استعارات بدیع در ادب فارسی هستند، اشیائی که بسیاری از آن‌ها در دنیای کنونی مهجور و نامأنوس بوده و این امر سبب می‌گردد به درک زیبایی‌شناختی شایسته از دریافت آن‌ها در متون ادبی نایل نگردیم. این پژوهش بر این فرض است که می‌توان با استمداد از روش بازسازی افق انتظار به معیار و ملاکی برای درک زیبایی‌شناختی از گستره این دریافت‌ها دست یافت. در تعریف مختصر این روش باید گفت، افق انتظار در منظر هانس روبرت یاوس معیار است که خوانندگان برای قضاوت، ارزش‌گذاری و تفسیر متون ادبی یک عصر به کار می‌برند. وی معتقد است می‌توان آن را با دستورالعملی سه مرحله‌ای بازسازی نمود. در این پژوهش برای آزمون کارآمدی این روش، افق انتظار دو ظرف روشنائی پردر یافت در متون ادب فارسی (قنديل و فانوس) بازسازی گردید. بدین ترتیب که در دو مرحله نخست، به استناد متون ادبی، نمونه‌های موجود در موزه‌ها و یا تصاویر آن‌ها در برخی نگاره‌ها، انتظارات واقعی مردمان از آن‌ها را که در نقش

* کارشناس موزه ملی ایران، (نویسنده مسئول)

qnaghme@gmail.com

** دانشیار گروه نقاشی دانشگاه الزهراء

mansourhessami@gmail.com

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۰۶/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۴

زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمره در متون ادب فارسی (از منظر هانس روبرت یاوس)، حسین قزوینی و حسامی ۷۵

وجوه شبه استعارات و تشبیهات ظاهر شده‌اند، شناخته؛ و در مرحله سوم با مقایسه انتظارات واقعی از این ظروف با دریافت خلاقانه و خیال‌انگیز آن‌ها در متون ادبی؛ به تحلیل زیبایی‌شناختی آن‌ها در متون ادبی پرداخته شد. نتیجه این بازسازی‌ها نشان می‌دهد با این روش می‌توان به تفسیر زیبایی‌شناختی بهتری نسبت به دریافت اشیاء روزمره در متون ادبی نایل گردید.

کلیدواژه‌ها: زیبایی‌شناسی دریافت، اشیاء روزمره، بازسازی افق انتظار، هانس روبرت یاوس.

۱. مقدمه و بیان مسأله پژوهش

بسیاری از اشیاء روزمره همواره به دلیل جاذبه‌های زیبایی‌شناختی و کاربردی مبنای بسیاری از استعارات و تشبیهات خیال‌انگیز و بدیع در متون ادبی هستند، این در حالی است که بیشتر اشیایی که در متون ادبی مبنای بسیاری از خیال‌پردازی‌ها قرار گرفته‌اند؛ اکنون مهجور بوده و این امر اغلب موجب می‌شود که بسیاری از جنبه‌های زیبایی‌شناختی دریافت این اشیاء در متون ادبی مغفول بماند. زیرا هر از یک ویژگی‌ها و انتظارات جزئی کاربران از این اشیاء در نقش وجه شبه بسیاری از تشبیهات و استعارات در متون ادب فارسی ظاهر گردیده‌اند. به گونه‌ای که بدون شناخت ویژگی‌ها و کاربردهای هر یک از انواع این اشیاء، که مبنای بسیاری از استعارات و تشبیهات در متون ادب فارسی هستند؛ نمی‌توان به تفسیر بسیاری از متون ادبی ایران نایل گردید. در این مقاله برای شناخت انتظارات و ویژگی‌های واقعی اشیایی که مورد دریافت‌های خیال‌انگیز قرار گرفته‌اند، از رویکردی مخاطب‌مدار و تاریخ‌محور بهره گرفته شد؛ زیرا شاعران از انتظارات مشترک مخاطبین خویش برای بیان مقاصد خیال‌پردازانه خود، به بهترین نحو استفاده کرده‌اند.

بنابراین ویژگی‌ها و کاربردهای اشیاء روزمره در عالم واقعیت، به عنوان عناصر بصری مشترک نزد مخاطبین، در نقش وجوه شبه برای خلق استعارات و تشبیهات خیال‌انگیز به کار گرفته شده‌اند؛ و شاعران برای خلق استعارات و تشبیهات بدیع و

خیال‌انگیز از اشیاء روزمره پیرامون خود، علاوه بر یافتن وجوه شبه عمومی، با ریزبینی دقیق به یافتن وجوه شبه باریک‌بینانه‌تر از آن‌ها پرداخته‌اند. زیرا وجه شبه عامل اصلی در فعال نمودن ذهن مخاطب و مشارکت وی در دنیای خیال‌انگیز شعر و سهیم نمودن او در آفرینش هنری است (گلی و اسدی، ۱۳۹۳: ۳۶)؛ به عبارتی وجه شبه را می‌توان حلقه اتصال اندیشه و تفکر شاعر یا نویسنده با عالم واقع دانست؛ به گونه‌ای که می‌تواند جهان‌بینی و وسعت خیال سخنور را نشان داده و میزان خلاقیت وی را نشان دهد (محمودی، ۱۳۹۳: ۱۲۱ و ۱۲۳). به گونه‌ای که زبان‌شناسان، بر این اساس معتقدند که استعاره‌ها صرفاً در قالب قراردادهای زبانی نمی‌گنجند و یک سر آن همواره بر شناخت از پدیده‌های جهان خارج منوط است (افراشی، ۱۳۹۰: ۲۸).

در این مقاله برای شناخت انتظارات و ویژگی‌های واقعی اشیاء متنوع و متعدد روزمره که در نقش وجوه شبه بسیاری از استعارات و تشبیهات خیال‌انگیز اشعار فارسی ظاهر شده‌اند. از رویکردی مخاطب‌مدار بهره گرفته می‌شود، زیرا شاعران از انتظارات مشترک مخاطبین خویش از ظروف روشنایی به عنوان وجه شبه برای خلق تشبیهات و استعارات بهره گرفته‌اند. لازم به ذکر است اهمیت به مخاطب در مطالعه آثار هنری رهاورد تفکر هانس روبرت یاوس (Hans Robert Jauss) است، او کسی است که همراه با ولفگانگ آیزر (Wolfgang Iser)، نظریه دریافت را در دهه ۱۹۶۰ بنیان گذاشت. واژه زیبایی‌شناسی دریافت یا نظریه دریافت، زاییده تفکر مخاطب‌مدار یاوس است؛ زیرا از نظر وی یک اثر، شیء قائم به ذات نیست که همه مخاطبان آن در تمام دوره‌ها یک دیدگاه واحد را نسبت به آن اثر داشته باشند. وی خواهان تاریخ هنری است که به جای آفرینش به دریافت تمرکز دارد. او اولین گام برای نگارش تاریخ دریافت از آثار را، کنار گذاشتن اصول و مبانی زیبایی‌شناسی سنتی در تولید و عرضه، و حرکت به سمت زیبایی‌شناسی دریافت و تاثیر می‌داند. این مکتب با تکیه بر موضوع زیبایی‌شناسی دریافت و اهمیت خوانش آثار جایگاهی ویژه برای خواننده و مخاطب در نظر گرفته می‌شود که مورد توجه بسیاری از نظریه پردازان و منتقدان قرار گرفته است (Rafey, 2005: 721 & Jauss, 1982: 165). یکی از

زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمره در متون ادب فارسی (از منظر هانس روبرت یاوس)، حسین قزوینی و حسامی ۷۷

مهم‌ترین مباحثی که یاوس مطرح می‌کند، مفهوم افق انتظار است. افق انتظار معیار است که خوانندگان هر عصر برای قضاوت، ارزش‌گذاری و تفسیر متون ادبی در یک عصر به کار می‌برند. البته معنا، و ارزش ادبی به صورت دائمی تعیین نمی‌شود؛ زیرا افق انتظارات هر عصر تغییر خواهد کرد؛ و در هر دوارن اثر ادبی در نور دانش، تجربه و فرهنگ محیط خودش، دوباره تفسیر می‌گردد (Cuddon, 2013: 338).

یاوس سه عامل اصلی برای افق انتظار قائل است: (۱) تجربه پیشین مخاطب از گونه هنری (۲) مضمون‌های آثار پیشینی که اثر مورد نظر مبین شناخت آن‌هاست (۳) تقابل بین زبان شاعرانه و کاربردی یا تقابل خیال و واقعیت، از نظر وی فاکتور سوم این امکان را برای مخاطب یک اثر فراهم می‌کند که یک اثر را در افقی باریک‌تر از انتظارات ادبی و یا در افقی گسترده‌تر از تجربه زندگی ببیند (Jauss, 2008:166&168). وی معتقد است با بررسی این سه عامل می‌توان افق انتظار یک اثر را بازسازی نمود (مکاریک، ۱۳۹۰: ۳۴۲).

درباره پیشینه زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمره در ادب فارسی باید گفت، تاکنون تحقیق روشمندی در این باب صورت نپذیرفته است؛ درباره بهره‌گیری از روش بازسازی افق انتظار در چنین کاربردی یعنی زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمره در ادب فارسی، ای پژوهش کاملاً بدیع و نوآورانه است. به گونه‌ای که حتی در دنیا نیز از آرای یاوس کمتر برای تحلیل آثار تجسمی بهره گرفته شده است؛ از جمله معدود این تحقیق‌ها، تحقیق Jennifer Trimble در مقاله Reception theory (۲۰۱۵) است. وی در این مقاله برای کشف انتظارات رومی‌ها از مجسمه‌هایشان، از روش بازسازی افق انتظارات بهره گرفته است. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از مطالعات فرمالیستی بر روی مجسمه‌ها و همچنین اطلاعات کلی در زمینه شرایط اجتماعی، فرهنگی و مذهبی آن دوران، بهره گرفته است. البته نتیجه بهره‌گیری از چنین اطلاعات کلی و ناکافی، پژوهشگر را وادار به اقرار برخی نواقص در بهره‌گیری از این روش از جمله مشخص نبودن پایگاه اجتماعی مخاطبین، ناکارآمد بودن این روش درباره بررسی اشیاء منحصر به فرد و حتی عدم تمایز واقعی دیدگاه مخاطب امروزی با مخاطب گذشته، نموده است (برای آگاهی بیشتر بنگرید به

از متون ادب فارسی به عنوان سند واقعی دریافت بهره گرفته است و حاصل آن را می‌توان در مقاله‌هایی با عنوان سیر تطور کشکول از منظر هانس روبرت یوس، بازسازی افق انتظار صراحی و بازسازی افق انتظار آثار هنری کاربردی ایران (به استناد متون ادب فارسی) (۱۳۹۷) مشاهده نمود. از این رو پژوهش پیش رو نیز به نوعی بازتعریف روش ابداعی نگارنده برای زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمره در متون ادب فارسی است.

بنابراین با توجه به این‌که شاعران وجوه شبه خود را از اشیاء روزمره بر پایه انتظارات و کاربردهای واقعی مخاطبین عصر خود انتخاب می‌کردند، می‌توان از روش بازسازی افق انتظار برای نگاهی زیبایی‌شناسانه به دریافت اشیاء روزمره در متون ادبی بهره گرفت. برای کاربردی نمودن روش بازسازی افق انتظار، جهت نگاهی زیبایی‌شناختی به دریافت اشیاء روزمره در متون ادب فارسی، باید گفت اولین و دومین مرحله بازسازی افق انتظار یعنی تجربه پیشین مخاطب از گونه هنری و مضمون‌های آثار پیشینی که اثر مورد نظر مبین شناخت آن‌هاست، به انتظارات کلی و جزئی مخاطبین از اشیاء روزمره به استناد متون ادبی تبدیل می‌شود؛ و این انتظارات کلی و جزئی مخاطبین، به استناد متون ادبی با ذکر شواهدی در متون ادبی و همچنین تصاویر این ظروف در میان آثار موجود موزه‌ای و یا حتی تصاویر این ظروف در برخی نگاره‌ها شناسایی می‌گردند. لازم به ذکر است شواهدی که از انتظارات واقعی یک شیء روزمره در دو مرحله اول و دوم ذکر شده‌اند، همگی در نقش وجه شبه هستند و دلیل این انتخاب نشان دادن هر چه بیشتر همسویی انتظارات واقعی مخاطبین از اشیاء روزمره با انتخاب آن‌ها به عنوان وجه شبه، توسط ادیبان و شاعران است. درباره‌تطبیق آخرین و مهم‌ترین مرحله بازسازی افق انتظار برای زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمره در متون ادب فارسی، یعنی تقابل بین زبان شاعرانه و کاربردی یا تقابل خیال و واقعیت، به مقایسه انتظارات و کاربردهای واقعی کاربران یک عصر از یک شیء با استفاده خلاقانه و خیال‌انگیز شاعران از آن‌ها به عنوان وجه شبه، با ذکر شواهدی خیال‌انگیز و بدیع، پرداخته می‌شود؛ تا بدین‌وسیله به میزان خلاقیت و خیال‌انگیزی

زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمره در متون ادب فارسی (از منظر هانس روبرت یاوس)، حسین قزوینی و حسامی ۷۹

دریافت آن در متون ادب فارسی هستند آگاهی یافت؛ و از این رهیافت می‌توان به تفسیر و درک زیبایی‌شناسانه بهتری از تشبیهات و استعارات برگرفته از اشیاء روزمره در متون ادبی نایل گردید. حال برای آزمون کارآمدی این روش، دو نمونه پردر یافت در میان ظروف روشنایی انتخاب شدند؛ زیرا ظروف روشنایی به دلیل جایگاه نور و آتش در فرهنگ ایرانی و اسلامی، همواره یکی از پردر یافت‌ترین، اشیاء روزمره در متون ادب فارسی بوده و شامل انواع مختلفی همچون قندیل، شمعدان، چراغ، فانوس، مشعله و ... است که در بین آن‌ها دو نمونه پردر یافت قندیل و فانوس انتخاب گردید:

۱. زیبایی‌شناسی دریافت قندیل در متون ادبی با روش بازسازی افق انتظار

مرحله اول:

در این مرحله همچون دستورالعمل یاوس برای بازسازی افق انتظارات که باید ژانر و گونه‌ای که اثر به آن متعلق است مورد بررسی قرار گیرد، انتظارات کلی مخاطبین از قندیل معرفی می‌گردد:

—روشنایی این ظرف حاصل از سوختن فتیله آغشته به روغن بوده است:

خنک آن دم که فراش فرشنا اندر این مسجد / در این قندیل دل ریزد ز زیتون خدا روغن
(مولوی، ۱۳۷۶: ۶۹۸)

دیده روشن به خون دل ز من قانع شده است / من ز قندیل حرم امساک روغن چون کنم
(صائب، ۱۳۸۷: ۲۶۱۵)

—این ظرف روشنایی به صورت معلق از سقف استفاده می‌شده و آویختن آن عموماً با سه زنجیر بوده است (تصویر شماره ۱):

چو قندیل بر آویزند و سوزند / سه زنجیرم نهاده دست اعدا (خاقانی، ۱۳۸۲، ص ۲۴)

عید آمد و قندیل صفت در محراب / او را بسه زنجیر نگه نتوان داشت (کمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۴۸: ۸۴۸).

چیست از دور آن گوهر عجب ماهست یا اختر / کچون قندیل نورانی معلق ز آسمان باشد (مولوی، ۱۳۷۶: ۲۵۲)

به چراغ رخ آن ماه که بردند به چرخ / هفت قندیل زراندود ازو نور جمال (خجندی، ۱۳۷۲: ۴)



تصویر شماره ۱) قندیل از جنس نقره، قرن ۱۱ هـ.ق، ارتفاع با زنجیر: ۱۷ س.م، عرض: ۱۸/۴ س.م، محل نگهداری: موزه ملی ایران، مأخذ تصویر: آرشیو موزه ملی ایران

زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمره در متون ادب فارسی (از منظر هانس روبرت یاوس)، حسین قزوینی و حسامی ۸۱

برای این مرحله، از بازسازی افق انتظار باید مضمون‌های آثار پیشینی که اثر مورد نظر مبین شناخت آن‌هاست، بررسی نمود. در این اینجا به معرفی انتظارات جزئی مخاطبین از قندیل پرداخته می‌شود:

- یکی از کاربردهای این ظرف روشنایی برای تنویر محرابها بوده است:
دل از عشق تو چون قندیل دارم / که روی از حسن چون محراب داری (قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۷۰)

بی نگاه گرم نبود گوشه ابروی او / هرگز این محراب عالمسوز بی قندیل نیست (صائب، ۱۳۸۷ ج ۲: ۶۵۱)

- روغن برخی از قندیل‌ها بر روی آب قرار می‌گرفته است:

تو را کی بود چون چراغ التهاب / که از خود پری همچو قندیل از آب (سعدی، ۱۳۸۵: ۴۱۷)

دیده رخ چو آتش تو دید برفروخت / قندیل عشق در دل چون آب روشنم (سیف فرغانی، ۱۳۶۴: ۲۹۵)

در میان ما و حق ذات نبی دانی که چیست / روغن قندیل کش با آب و آتش همسری است (اهلی شیرازی، ۱۳۴۴: ۴۳۲)

نشئه می سازند رنگین نغمه می سازند خوش / آتش قندیل و آب سبجه یک جا کرده اند (نظیری نیشابوری، ۱۳۴۰: ۵۴۱)

- این ظرف روشنایی به دلیل توصیه های مذهبی در مقابر وقف می شده است (افلاکی، ۱۳۸۵: ۲۴۹)

روضه ات را من هوادارم به جان قنديل وار / آتشين دل در برم دايم معلق زين
هواست (ساوجی، ۱۳۸۹: ۳۳)

گردون به نذر مرقد پاک تو بسته است / سررشته شعاع به قنديل آفتاب (صائب، ۱۳۸۷ ج
۶: ۳۵۵۱)

فلک یک خادم شب زنده دارش / چراغ افروز قنديل مزارش (اهلی شیرازی، ۱۳۴۴:
۵۷۴)

گردون به نذر مرقد پاک تو بسته است / سررشته شعاع به قنديل آفتاب (صائب
تبریزی، ۱۳۸۷ ج ۶: ۳۵۵۱)

خود را بر آسمان نهم ببند ار شود / قنديل طاق درگه آن سرور آفتاب (محتشم
کاشانی، ۱۳۴۴: ۱۴۱)

عقد قنديل روضه تو کند / طارم عرش را ثریائی (حزین لاهیجی، ۱۳۶۲: ۱۶۰)

قنديل نيست گرد حریم تو بهر طوف / دلهاي روشن است بهر سو کشیده صف
(فضولی، ۱۹۶۲: ۱۵۹)

مرحله سوم:

طبق، سومین مرحله بازسازی افق انتظار، که تقابل بین زبان شاعرانه و کاربردی، تقابل
خیال و واقعیت است، به مقایسه انتظارات واقعی کاربران از قنديل با استفاده خلاقانه از
این انتظارات درمتون ادب فارسی پرداخته می‌شود:

قنديل به عنوان ظرف روشنایی که انتظارات متنوعی نزد کاربران از جمله روشنایی،
فروزان بودن، تعلیق در محراب، نذر در مقابر داشته است؛ که به نظر می‌رسد مهم‌ترین
این انتظارات که جلب نظر شاعران به عنوان وجه شبه کرده است، تعلیق این ظرف که

زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمره در متون ادب فارسی (از منظر هانس روبرت یاوس)، حسین قزوینی و حسامی ۸۳

عموما موجب تشبیه این ظرف به ماه و ستارگان شده و یا انتظار دیگر مهم کاربران که یعنی تعلیق آن‌ها در محراب، در شعر به عنوان وجه شبه عموما برای بخشیدن فضایی قدسی در شعر استفاده شده است. حال با ذکر شواهدی بدیع و خیال‌انگیز به مقایسه انتظارات واقعی مخاطبین از قندیل و دریافت آن‌ها در متون ادبی فارسی پرداخته می‌شود:

به عنوان مثال مولوی در بیت ذیل از انتظارات وجود آب و همچنین شیشه ای بودن برخی قندیل‌ها به عنوان وجه شبه برای تشبیه خلاقانه و بدیع از قندیل فاقد روشنایی به بول و قاروره^۳ در تشبیه به انسانی که وجودش نور و روشنایی ندارد بهره برده است.

آن زجاجی کاو ندارد نور جان / بول و قاروره ست قندیلش مخوان (مثنوی معنوی، ۱۳۸۵: ۷۳۰)

و یا در مثالی دیگر امیرخسرو دهلوی خلاقانه از چند انتظار مخاطبین از قندیل یعنی سوختن، تعلیق آن از محراب برای تشبیهی خیال‌انگیز و بدیع بهره برده است. به گونه‌ای که شاعر دل خویش را که فروزان از رخ معشوق است در حالت تعلیق در ابروان محرابی وی، همچون قندیل آویخته در محراب توصیف کرده است:

دلم چو رشته قندیل از آتش رخ خویش / بسوختی و به محراب ابروان آویخت (امیرخسرو دهلوی، ۱۳۶۱: ۱۱۳)

جامی نیز خلاقانه از سه انتظاری که مخاطبین از قندیل داشتند، یعنی تعلیق این ظرف، زرین بودن و نذر این گونه وسیله روشنایی در مقابر بزرگان، به عنوان وجه شبه، برای تشبیه خیال‌انگیز و خلاقانه قندیل زرین مزار بزرگی به دلو زرینی که موجب رهایی دلها از چاه دنیا می‌شود، بهره گرفته است:

دلو زر است صورت قندیل مرقدش / کز وی رهیده یوسف دلها ز حبس چاه(جامی، ۱۳۷۸: ۶۰)

جدول شماره یک) زیبایی‌شناسی دریافت قنديل با روش بازسازی افق انتظار، مأخذ: نگارندگان

<p>-روشنایی این ظرف حاصل از سوختن روغن بوده</p> <p>-روغن این ظرف بر روی آب قرار می‌گرفته</p> <p>-این ظرف روشنایی با سه زنجیر آویخته می‌شده</p>	<p>مرحله اول:</p> <p>معرفی انتظارات اصلی و کلی مخاطبین از قنديل</p>
<p>-یکی از کاربردهای جزئی قنديل بهره‌گیری از آن برای تنویر محرابها بوده است.</p> <p>-این ظرف روشنایی در مقابله نیز کاربرد داشته</p>	<p>مرحله دوم</p> <p>معرفی انتظارات جزئی مخاطبین از قنديل</p>
<p>قنديل انتظارات متنوعی برای مخاطبین خود از جمله تعلیق از سقف، قرار گرفتن روغن این ظرف بر روی آب، کاربرد آن در محراب‌ها و مقابله داشته که در نقش وجه شبه در متون ادب فارسی ظاهر شده‌اند؛ و شاعران خلاقانه از یک یا مجموعه‌ای از این وجوه شبه برای خلق تشبیهات و استعارات خیال‌انگیز بهره گرفته‌اند. بنابراین می‌توان با شناخت انتظارات واقعی این ظرف روشنایی نزد مخاطبینشان به معیاری جهت زیبایی‌شناسی دریافت قنديل در متون ادب فارسی دست یافت.</p>	<p>مرحله سوم</p> <p>مقایسه انتظارات و کاربردهای کلی و جزئی واقعی کاربران و دریافت زیبایی‌شناسانه آن‌ها در متون ادب فارسی</p>

۴. زیبایی‌شناسی دریافت فانوس در متون ادبی با روش بازسازی افق انتظار

مرحله اول:

در این مرحله همچون دستورالعمل یاوس برای بازسازی افق انتظارات که باید ژانر و گونه‌ای که اثر به آن متعلق است؛ بررسی می‌شود. بنابراین در این مرحله به انتظارات اصلی تر مخاطبین (کاربران) فانوس به استناد متون ادبی پرداخته می‌شود:

زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمره در متون ادب فارسی (از منظر هانس روبرت یاسوس)، حسین قزوینی و حسامی ۸۵

-اولین انتظاری که مخاطبین از این نوع ظرف روشنایی داشتند این بوده که برای رفت و آمد کاربرد داشته و شعله شمع و یا چراغ را در برابر باد محافظت می‌نموده است: اگر پرسند که معنی فانوس چیست؟ بگوی معنی فانوس آن است که دل در بدن مشابه شمع است در فانوس. پس همچنان که (فانوس) شمع را از باد هوا محافظت می‌کند تا نمیرد، شمع دل را نیز از هوای نفس نگاه باید داشت تا به واسطه وساوس او فرو نمیرد که شمع مرده را به یک دم زنده توان کرد؛ اما دلی که بعد از حیات معرفت به وسوسه نفس مرده شد دیگر بوی زندگی بدو نرسد. چنانچه خدای تعالی می‌فرماید: [کیف یهدی الله قوماً کفروا بعد ایمانهم]. (واعظ کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰: ۳۷۹)

پروانه که و، محرمی خلوت فانوس / چون درحرم شمع ره باد نباشد (وحشی بافقی، ۱۳۹۲: ۸۴)

شمع ز باد دامن فانوس می‌کشد / آن محنتی که در ره باد صبا نداشت (کلیم کاشانی، ۱۳۳۶: ۱۰۹)

پرده فانوس را، همچون پر پروانه سوخت / باد صرصر را هم‌آغوش چراغم کرد و رفت (نسفی، ۱۳۸۲: ۲۲۰)

حسن را از چشم بد شرم و حیا دارد نگاه / شمع را فانوس از باد صبا دارد نگاه (صائب، ۱۳۸۷ ج ۶: ۳۱۸۹)

مرحله دوم:

برای این مرحله، باید مضمون‌های آثار پیشینی که اثر مورد نظر مبین شناخت آن‌هاست، بررسی گردد که درباره مجمر به انتظارات جزئی‌تر مخاطبین از فانوس، پرداخته شود:

- انتظار جزئی که مخاطبین فانوس‌ها به استناد نمونه‌های موجود در موزه‌ها تا قرن ۸ هـ. ق، مشبک بودن آن‌ها است (تصاویر زیر). چنانچه از دریافت این فانوس‌ها در شعر

شاعران چنین استنباط می‌شود که به دلیل مشبک بودن این فانوس‌ها تا حد زیادی نور شمع یا چراغ محدود می‌شده است (تصویر زیر). در ابیاتی از مولانا به خوبی از معنای لگن (لگن در برخی فرهنگها به معنای فانوس نیز آمده است) (لگن: فرهنگ رشیدی- فرهنگ جهانگیری)، فانوسی با چنین ویژگی‌ای استنباط می‌شود:

مست شد باد و ربود آن زلف را از روی یار / چون چراغ روشنی کز وی تو برگیری
(مولوی، ۱۳۷۶: ۷۳۸)

گر صورت شمع او اندر لگن غیرست / بر سقف زند نورش گر شمع لگن دارد
(مولوی، ۱۳۷۶: ۲۶۰)

چشم بد خود را خورد خود ماه ما زان فارغ است / شمع کی بدنام شد اگر نور او بستد
لگن (مولوی، ۱۳۷۶: ۷۳۷)

ای تو شمع نه فلک کز نه فلک بگذشته ای / تا چه سر است اینک تو اندر لگن پنهان
شدی (مولوی، ۱۳۷۶: ۱۰۳۷)

آورد برون گردون از زیر لگن شمعی / کز خجالت نور او بر چرخ نمااند اختر (مولوی،
۱۳۷۶: ۴۰۹)



زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمره در متون ادب فارسی (از منظر هانس روبرت یاوس)، حسین قزوینی و حسامی ۸۷

تصویر شماره ۲) فانوس سفالی، مکشوفه از نیشابور، متعلق به قرن ۴ ه.ق. طول: ۲۴/۵ س.م، عرض: ۱۵ س.م، محل نگهداری: موزه متروپولیتن، مأخذ تصویر: Wilkinson, 1973 : 343

از قرن ۸ در ایران به علت حمله مغول تحت تأثیر فرهنگ چین در ایران فانوس‌های کاغذی و پارچه‌ای متداول می‌گردد؛ بنابراین فانوس‌های مشبک اعصار گذشته که نور شمع را تا حدی زیادی محدود می‌کردند، منسوخ شدند. این گونه فانوس‌ها به علت ساختار کاغذی و پارچه‌ای آن‌ها نمونه‌های موجود موزه‌ای ندارد ولی تصویر این گونه فانوس‌ها را در برخی نگاره‌ها از جمله نگاره‌ها؛ نگاره‌ای از بوستان سعدی، متعلق به عصر تیموری (تصویر شماره ۳) و نگاره سوگواری برای مرگ تیمور از ظفرنامه تیموری (تصویر شماره ۴) می‌توان مشاهده نمود. در متون ادب فارسی نیز از قرن ۸ فانوس‌های کاغذی و پارچه‌ای انعکاس یافته‌اند:

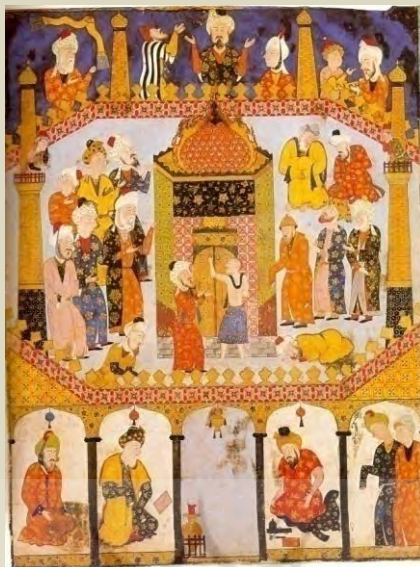
کاغذین خانه ست چون فانوس تا در وی زید / شمع ملک ایمن ز باد حادثات روزگار
(جامی، ۱۳۷۸: ۱۰۳)

فروغ ساعدش از آستینها / چو نور شمع از فانوس پیدا (وحشی بافقی، ۱۳۹۲: ۳۹۰)

حرم عصمت میخانه چه دارالامنی است / شمع مهتاب به فانوس کتان می سوزد (صائب،
۱۳۸۷ ج ۴: ۱۶۴۴)

گاه عریان از جنون چون شمع می‌گردد کلیم / گاه چون فانوس می‌آید سراپا پیرهن
(کلیم کاشانی، ۱۳۳۶: ۳۰۲)

چون شمع که در پرده فانوس درآید / در عشق تو بردم به گریبان کفن داغ (حزین
لاهیجی، ۱۳۶۲: ۳۸۱)



تصویر شماره ۳) تصویر فانوس‌های کاغذی بر سقف مسجد، در نگاره ای از بوستان سعدی، متعلق به

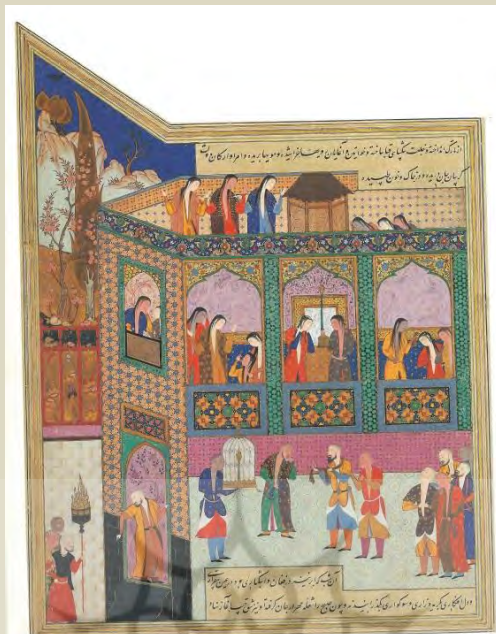
عصر تیموری



جزئیات تصویر شماره ۳) فانوس‌های کاغذی بر سقف مسجد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمره در متون ادب فارسی (از منظر هانس روبرت یاوس)، حسین قزوینی و حسامی ۸۹



تصویر شماره ۴) مراسم سوگواری مرگ تیمور، منسوب به بهزاد، ظفرنامه تیموری، مأخذ تصویر: رجبی،

۸۹: ۱۳۸۴



جزئیات تصویر شماره ۴) تصویر فانوس پارچه‌ای در دست یک فرد.

به نظر می‌رسد برخی از فانوس‌های پارچه‌ای به رنگ آل^۴ بوده‌اند، چنانکه این نوع فانوس را می‌توان در نگاره باربد نوازنده پنهانی از شاهنامه شاه طهماسب نیز تشخیص داد(تصویر شماره ۵):

همی راند تا شب به ناگه رسید / به ناگه یکی آتش از دور دید

درخشنده مانند فانوس آل / نگه کرد سالار فرخنده فال (خواجه کرمانی، ۱۳۸۶: ۵۶۵)

عجب شمعی که بی پروانه او / نبودش باد ره در خانه او
ز دست باد او کل لنگر افکند / در آن فانوس آل غنچه مانند (اهلی شیرازی، ۱۳۴۴: ۵۹۲)

در قبای آل، عالمسوز می‌گردد جمال / شمع در فانوس سوزد بیشتر پروانه را (صائب،
۱۳۸۷: ج ۱: ۱۱۶)



تصویر شماره ۵) نگاره متعلق به عصر صفوی، باربد نوازنده پنهانی، از شاهنامه شاه طهماسب، مأخذ

تصویر: Canby, 2014: 320

پژوهش‌های میان‌رشته‌ای
پرتال جامع علوم انسانی

زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمره در متون ادب فارسی (از منظر هانس روبرت یاوس)، حسین قزوینی و حسامی ۹۱



جزئیات تصویر شماره ۵) فانوس آل

چنین استنباط می‌شود که برخی از فانوس‌های عصر صفوی حبابهای شیشه‌ای داشتند:

می‌کند شیشه می‌جلوه فانوس امشب / آتش از لعل که یارب به می‌ناب گرفت؟
(صائب، ۱۳۸۷ ج ۲: ۸۱۰)

نفس زیر عرق می‌پرورد شرم حباب اینجا / به پاس آبرو هر شمع با فانوس می‌سازد
(بیدل، ۱۳۸۷ ج ۲: ۱۱۷۶)

شمع فانوس حباب از ما منور کرده اند / روشنی داریم چندانی که خاموشیم ما (بیدل،
۱۳۸۷ ج ۲: ۵۸۷)

نوع دیگری از فانوس وجود داشته که موسوم به فانوس گردان یا فانوس خیال است که بر روی فانوس صوری را ایجاد می‌نمودند و با دود و یا گرمای چراغ حرکت می‌کرده است (فانوس خیال: برهان قاطع، فرهنگ رشیدی-آندراج، فانوس گردان: برهان قاطع-آندراج، فانوس خیالی: آندراج). تنها نگاره‌ای که تصویر فانوس خیال را می‌توان در آن تشخیص داد؛ نگاره «همای در فردای ازدواج فرمان داده تا هنگام درآمدن

از اتاق همایون سکه های طلا بر سر او بپاشند»، از دیوان خواجهی کرمانی، تصویر شده به سال ۷۸۱ هـ. ق می باشد. چنانچه در این تصویر هم می توان تعدادی فانوس خیال که بر زمین گذاشته شده‌اند و همچنین تعداد زیادی فانوس خیال را در دست افراد هستند، ملاحظه نمود (تصویر شماره ۶).

فروغ نور او از حد برون است / ز فانوس خیال ما فزون است (اهلی شیرازی، ۱۳۴۴: ۷۰۳)

بیدل فلک از ثابت و سیار کواکب / فانوس خیال من و ما انجمنی بود (بیدل، ۱۳۸۷ ج ۲: ۱۰۸۱)

شمع فانوس خیالند ز بی آرامی / همه شب ز آتش سودای تو گل پیرهنان (صائب، ۱۳۸۷ ج ۶: ۳۰۳۷)

گردش نه آسمان از آه آتش بار ماست / شمع می آرد به چرخ از دود خود فانوس را (صائب، ۱۳۸۷ ج ۱: ۳۹)

در رقص بود بگرد شمعت / فانوس خیال آسمان‌ها (حزین لاهیجی، ۱۳۶۲: ۲۰۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

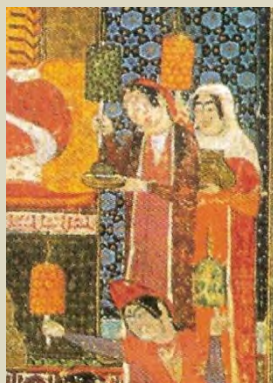
زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمره در متون ادب فارسی (از منظر هانس روبرت یاوس)، حسین قزوینی و حسامی ۹۳



تصویر شماره ۶) نگاره همای در فردای ازدواج فرمان داده تا هنگام درآمدن از اتاق همایون سکه های طلا بر سر او پاشند، دیوان خواجوی کرمانی، تصویر شده به سال ۷۸۱ هـ. ق، در بغداد، محل نگهداری: کتابخانه بریتانیا، مأخذ تصویر: بلر و بلوم، ۱۳۸۱: ۴۴



جزئیات تصویر شماره ۶) تعدادی فانوس خیال که بر زمین نهاده شده‌اند.



جزئیات تصویر شماره ۶) تصویر تعدادی فانوس خیال در دست افراد

مرحله سوم:

طبق سومین مرحله بازسازی افق انتظار، که تقابل بین زبان شاعرانه و کاربردی و یا تقابل خیال و واقعیت است، مقایسه انتظارات واقعی کاربران از فانوس با استفاده خلاقانه از این انتظارات در متون ادب فارسی صورت می‌پذیرد:

فانوس به عنوان ظرف روشنایی که انتظارات متنوعی نزد کاربران از جمله روشنایی، فروزان بودن، محافظت شعله شمع یا چراغ در برابر باد، و ویژگی‌های جزئی این ظرف در اعصار مختلف، را برای این ظرف در متون ادبی فراهم کرده است. لازم به ذکر است این ظرف روشنایی تا قرن هشتم ه. ق کمتر مورد توجه شاعران قرار گرفته‌اند، از جمله شاعرانی که از انتظارات واقعی این ظرف روشنایی به عنوان وجه شبه استفاده کرده‌اند، می‌توان به ابوسعید ابوالخیر و مولانا اشاره نمود که در آن‌ها کاملاً ویژگی ظاهری فانوس‌های آن عصر که نور را تا حد زیادی مستور می‌کردند، استنباط می‌شود. ولی از قرن هشتم به بعد شاید به دلیل تغییر ساختار فانوس‌ها (که از این زمان به بعد نور شمع یا چراغ فانوس‌ها عموماً با کاغذ یا پارچه محافظت می‌شدند) بسیار مورد توجه شاعران خصوصاً شاعران سبک هندی قرار گرفتند. زیرا انتظارات خیال‌انگیز این گونه فانوس‌ها همچون نمایان بودن شمع در این گونه فانوس‌ها، نزد شاعران سبک هندی بسیار مورد توجه قرار گرفتند، ولی در بسیاری از این تشبیهات به دلیل ویژگی اصلی این سبک یعنی

زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمره در متون ادب فارسی (از منظر هانس روبرت یاس)، حسین قزوینی و حسامی ۹۵

افراط در خیال پردازی (همانگونه که در بسیاری از مثالهای فوق می‌توان مشاهده کرد) نزد مخاطبین به سختی پذیرفته و یا اصلاً پذیرفتنی نیست.

در ادامه باید گفت این تغییر انتظارات مخاطبین از فانوس های مشبک به فانوس های پارچه ای، که در اشعار به عنوان وجه شبه منعکس شده‌اند، می‌توان مفهوم تغییر افق انتظار مخاطبین را که یاس مطرح نموده است، را مشاهده نمود. زیرا همانگونه که قبلاً نیز ذکر شد، یاس معتقد است که افق انتظار معیار ثابتی نیست و در طول زمان تغییر می‌کند؛ و این امر را می‌توان با انتظارات تغییر یافته مخاطبین از فانوس در طول چند قرن تطبیق داد. حال با ذکر شواهدی بدیع و خیال‌انگیز به مقایسه انتظارات واقعی مخاطبین از فانوس و دریافت آن‌ها در متون ادبی فارسی پرداخته می‌شود:

اولین مثال بیتی است که ابوسعید ابوالخیر به خوبی در تشبیهی منحصر به فرد و بدیع از این ویژگی فانوس های مشبک عصر خود به خوبی، به عنوان وجه شبه برای تشبیه وجود نورانی و فروزان خویش در عشق الهی که حالتی پیدا و نهان دارد، بهره گرفته است: مشهود و خفی چو گنج دقیانوسم/ پیدا و نهان چو شمع در فانوسم (ابوسعید ابوالخیر، بی تا: ۶۴)

مثال دیگر بیتی است از حزین لاهیجی که بر خلاف انتظار مخاطبین از فانوس های مشبک زمان ابوسعید، از فانوسی سخن می‌گوید که کاملاً نمایانگر شمع درون فانوس است و از این انتظار واقعی کاربران به عنوان وجه شبه برای تشبیه خیال‌انگیز نمایانگر بودن وضعیت درونی اش همچون شمع از پشت پارچه فانوس بهره برده است. البته لازم به ذکر است که وجه شبهی که حزین یافته بدیع و منحصر به فرد نیست و در بسیاری از اشعار سبک هندی مشاهده می‌شود:

در سینه حزین آه من سوخته پیداست / چون شمع که در پرده فانوس نهان نیست (حزین لاهیجی، ۱۳۶۲: ۲۸۴)

در آخرین مثال خیام، در بیتی بسیار هوشمندانه از وجود انتظارات چرخش و صور موجود بر فانوس خیال نزد مخاطبین برای تشبیه چرخ حیرت انگیز فلک برای انسان، بهره برده است:

این چرخ فلک که ما در او حیرانیم / فانوس خیال از او مثالی دانیم
خورشید چراغدان و عالم فانوس / ما چون صوریم کاندرو حیرانیم (خیام، ۱۳۷۳: ۱۷۴)

جدول شماره ۲) زیبایی‌شناسی دریافت فانوس بار روش بازسازی افق انتظار، مأخذ: نگارندگان

<p>-انتظار اصلی مخاطبین از این ظرف روشنایی محافظت شعله شمع و چراغ در برابر باد بوده است.</p>	<p>مرحله اول: معرفی انتظارات کلی و اصلی کاربران فانوس</p>
<p>-ساختار فانوس ها تا قرن هشتم هـ. ق مشبک بوده و از توصیف اینگونه فانوس‌ها در برخی ابیات چنین استنباط می‌شود که نور چراغ یا شمع درون اینگونه فانوس‌ها بسیار مستور می‌گردیده است.</p> <p>-بعد از حمله مغولان از قرن هشتم هجری، تحت تاثیر فرهنگ چین، فانوس‌های کاغذی و پارچه‌ای متداول می‌شوند.</p> <p>-نوعی از فانوس‌های پارچه‌ای موسوم به فانوس آل بودند که وجه تسمیه آن‌ها رنگ زرد کمرنگ مایل به سرخی (رنگ آل) پارچه‌های آن‌ها بوده است.</p> <p>-به استناد برخی ابیات از عصر صفوی، برخی از فانوس‌ها در این عهد حباب شیشه‌ای داشتند.</p> <p>-همچنین نوعی از فانوس وجود داشته که بر آن صوری می‌کشیدند و با دود چراغ حرکت می‌کرده و موسوم به فانوس خیال و یا فانوس گردان بوده است.</p>	<p>مرحله دوم : معرفی انتظارات جزئی تر کاربران فانوس</p>
<p>فانوس انتظارات متنوعی برای مخاطبین خود از جمله محافظت شعله شمع یا چراغ در برابر باد، مشبک، کاغذی، پارچه و یا حباب دار</p>	<p>مرحله سوم</p>

مقایسه انتظارات و کاربردهای واقعی کاربران از فانوس با استفاده خلاقانه از این انتظارات در متون ادب فارسی	بودن فانوس ها در اعصار مختلف اسلامی داشته که در نقش وجه شبه در متون ادب فارسی ظاهر شده‌اند؛ و شاعران با خلاقیت از یک یا مجموعه ای از این وجوه شبه برای خلق تشبیهات و استعارات خیال‌انگیز بهره گرفته‌اند. بنابراین می‌توان با شناخت انتظارات واقعی این ظرف روشنایی نزد مخاطبینشان به معیاری جهت زیبایی‌شناسی دریافت فانوس در متون ادب فارسی دست یافت.
---	--

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش برای نگاهی زیبایی‌شناختی به دریافت اشیاء روزمره در متون ادب فارسی که اغلب در دنیای کنونی مهجورند و مبنای بسیاری از استعارات و تشبیهات در ادب فارسی هستند، از روش بازسازی افق انتظار هانس روبرت یاوس بهره گرفته شد. زیرا شاعران و ادیبان با ریزینی و خلاقیت از انتظارات متنوع اشیاء مختلف پیرامون خود، به عنوان وجه شبه برای خلق تشبیهات و استعاراتی بدیع و خیال‌انگیز بهره برده‌اند. در این پژوهش افق انتظار دو ظرف روشنایی پردر یافت در متون ادبی (قندیل و فانوس)، با استناد به متون ادبی و همچنین نمونه‌های واقعی در موزه ها و یا تصاویر آنها در برخی نگاره‌ها بازسازی گردید؛ و همانطور که ملاحظه گردید در دو مرحله اول و دوم بازسازی افق انتظار، انتظارات کلی و جزئی واقعی مخاطبین از آنها، با شواهدی در متون ادبی که همگی آنها در نقش وجه شبه هستند (به جهت نشان دادن همسویی انتخاب وجوه شبه در متون ادبی با انتظارات واقعی مخاطبین)؛ معرفی شدند.

در مرحله سوم نیز به مقایسه انتظارات واقعی این اشیاء (قندیل و فانوس) با کاربرد خیال‌انگیز این انتظارات در متون ادب فارسی به عنوان وجه شبه پرداخته شد، که با این مقایسه می‌توان به میزان خلاقیت شاعران و ادیبان در بهره‌گیری از انتظارات واقعی این ظروف به عنوان وجه شبه، در خلق استعارات و تشبیهات بدیع پی برد. به گونه‌ای که هر

یک از این انتظارات به عنوان مثال وجود آب در قندیل موجبات تشبیهات و استعارات بسیار متفاوت و خیال‌انگیزی نزد شاعران گردیده؛ و یا شاعران با بهره‌گیری از چندین انتظار یا ویژگی که مخاطبین از آن‌ها داشتند (همان‌گونه که در بسیاری از مثال‌های شعری دیده شد)، تشبیهات و استعاراتی خیال‌انگیز را خلق نموده‌اند. همچنین برخی از این انتظارات به صورت معدود و یا حتی منحصر به فرد در شعر برخی از شاعران انعکاس یافته (مانند انعکاس فانوس‌های مشبک در ابیاتی از مولوی و بیتی از ابوسعید ابوالخیر) که می‌توان نشان از خلاقیت این شاعران در یافتن وجوه شبه بدیع و خلاقانه باشد. بنابراین با روش بازسازی افق انتظار، می‌توان به ابزار خوبی برای مقایسه انتظارات اشیاء روزمره نزد مخاطبین در عالم واقع با کاربرد خلاقانه آن‌ها به عنوان وجوه شبه نزد شاعران و ادیبان برای خلق تشبیهات و استعارات بدیع و خیال‌انگیز دست یافت. زیرا بدون شناخت انتظارات یک شیء نزد مخاطبین نمی‌توان به معنا و ارزش زیبایی شناختی بسیاری از تشبیهات و استعارات اشیائی که در متون ادبی توصیف شده‌اند نائل گردید. همچنین با شناخت انتظارات واقعی مخاطبین از اشیاء موجود در متون ادبی، نه تنها می‌توان به ارزش زیبایی شناختی و میزان خلاقیت شاعران در بهره‌گیری از ویژگی‌های اشیاء پیرامون خود، مطلع گردید، بلکه به مقایسه خلاقیت شاعران درباره یک شیء خاص پرداخت.

پی‌نوشت‌ها

- ۱) ظرف شیشه‌ای شفاف، کوچک و مدور که به صورت مثنای می‌ساختند و در آن ادرار کرده به طیب نشان می‌دادند (قاروره: آندراج)
- ۲) رنگی که زردیش کم و قدری مایل به سرخی بود. رنگ شکری. رنگ نباتی (رنگ آل: لغت‌نامه دهخدا)

کتاب‌نامه

- ابوسعید ابوالخیر، فضل الله (بی تا)، سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر، به تصحیح سعید ن: کتابخانه سنائی.

زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمره در متون ادب فارسی (از منظر هانس روبرت یاوس)، حسین قزوینی و حسامی ۹۹

- افلاکی، احمد بن اخی ناطور (۱۳۸۵)، مناقب العارفین، به کوشش تحسین یازیچی، تهران: دنیای کتاب.
- امیرخسرو دهلوی، ابوالحسن یمین الدین (۱۳۶۱)، دیوان کامل امیرخسرو دهلوی، به کوشش م درویش، تهران: جاویدان.
- اهلی شیرازی، محمد بن یوسف (۱۳۴۴)، کلیات اشعار مولانا اهلی شیرازی، به کوشش حامد ربانی، تهران: سنائی.
- آندراج (۱۳۶۳)، محمد پادشاه متخلص به شاد، کتابفروشی خیام، تهران.
- برهان قاطع (۱۳۳۲)، محمد حسین بن خلف تبریزی، به اهتمام معین محمد، تهران: کتابفروشی زوار.
- بلر، شیلا و بلوم، جانانان (۱۳۸۱)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران: سروش.
- بیدل دهلوی، عبدالقادر (۱۳۸۷)، غزلیات بیدل دهلوی ۳، به تصحیح اکبر بهاروند، شیراز: نوید شیراز.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان (۱۳۷۸)، دیوان جامی ج ۱ و ۲، به تصحیح اعلا خان افصح زاده، تهران: میراث مکتوب.
- حسین قزوینی، نغمه؛ حسامی منصور (۱۳۹۷)، سیر تطور کشکول از منظر هانس روبرت یاوس. ماهنامه باغ نظر. دوره ۱۵. ش ۶۲.
- حسین قزوینی، نغمه؛ حسامی منصور (۱۳۹۷)، بازسازی افق انتظار صراحی در عصر صفوی، نشریه هنرهای صناعی ایران، دوره ۱، ش ۲.
- حسین قزوینی، نغمه؛ حسامی منصور (۱۳۹۷)، بازسازی افق انتظار آثار هنری کاربردی ایران (به استناد متون ادب فارسی)، دوره سوم، ش اول.
- حزین لاهیجی، محمد علی بن ایطالب (۱۳۶۲)، دیوان حزین لاهیجی، به تصحیح بیژن ترقی، تهران: کتابفروشی خیام.
- خجندی، کمال (۱۳۷۲)، دیوان کمال خجندی، به تصحیح احمد کرمی، تهران: ما.

- خواجه‌جوی کرمانی، محمود (۱۳۸۶)، *سام نامه*، به تصحیح میترا مهرآبادی، تهران: دنیای کتاب.
- خیام نیشابوری، غیاث‌الدین ابوالفتح عُمَر بن ابراهیم (۱۳۷۳)، *رباعیات خیام*، با تصحیح محمدعلی فروغی و قاسم غنی، تهران: ناهید.
- رجبی، محمدعلی (۱۳۸۴)، *شاهکارهای هنر نگارگری ایران*، تهران، موزه هنرهای معاصر تهران.
- ریما مکاریک ایرنا (۱۳۹۰)، *دانشنامه نظریه های ادبی معاصر*، مترجم مهرا مہاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- ساوجی، سلمان بن محمد (۱۳۸۹)، *کلیات سلمان ساوجی*، به تصحیح عباسعلی وفائی، تهران: سخن.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۵)، *کلیات سعدی*، به تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: هرمس.
- سیدای نسفی، میرعابد (۱۳۸۲)، *دیوان سیدای نسفی*، با تصحیح و تعلیق حسن رهبری، تهران: الهدی.
- سیف فرغانی (۱۳۶۴)، *دیوان سیف فرغانی*، به تصحیح ذبیح الله صفا، تهران: فردوسی.
- صائب تبریزی محمد علی (۱۳۸۷)، *دیوان صائب تبریزی*، به کوشش محمد قهرمان، تهران: علمی و فرهنگی.
- فرهنگ جهانگیری (۱۳۵۱)، *میر جمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن انجو شیرازی*، عقیقی رحیم، مشهد: دانشگاه مشهد.
- فرهنگ رشیدی (۱۳۳۷)، *عبد الرشید بن عبدالغفور الحسینی المدنی التتوی*، به تصحیح عباسی محمد، تهران: بی نا.
- قوامی رازی، بدرالدین (۱۳۳۴)، *دیوان قوامی رازی*، به تصحیح و اهتمام میر جلال

زیبایی‌شناسی دریافت اشیاء روزمره در متون ادب فارسی (از منظر هانس روبرت یاوس)، حسین قزوینی و حسامی (۱۰۱)

الدین حسینی ارموی، تهران: چاپخانه سپهر.

- کلیم کاشانی، ابوطالب (۱۳۳۶)، *دیوان کلیم کاشانی*، به تصحیح و مقدمه ح. پرتو بیضائی، تهران: کتابفروشی خیام.

- کمال الدین اصفهانی، ابوالفضل (۱۳۴۸)، *دیوان کمال الدین اصفهانی*، به اهتمام حسین بحرالعلومی، تهران: کتابفروشی .

- گلی، احمد و اسدی، سمیه (۱۳۹۳)، *نقش تصویر در تاویل متن*، پژوهش های ادبی و بلاغی، سال دوم، ش ۱.

- *لغت‌نامه دهخدا* (۱۳۷۲)، علی اکبر دهخدا، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران: تهران.

- محمودی، مریم (۱۳۹۳)، *تشبیه برجسته ترین ویژگی سبکی کلیله و دمنه*، فنون ادبی، سال ششم، ش ۲.

- مولوی، جلال الدین رومی (۱۳۷۶)، *کلیات شمس تبریزی*، به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر.

- واعظ کاشفی سبزواری، مولانا حسین (۱۳۵۰)، *فتوت نامه سلطانی*، به اهتمام محبوب محمد جعفر، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- وحشی بافقی، کمال الدین (۱۳۹۲)، *دیوان وحشی بافقی*، با مقدمه سعید نفیسی، تهران: ثالث.

- Canby, Sheila (2014), *The Shahnama of Shah Tahmasp: The Persian Book of Kings*, New York : The Metropolitan Museum of Art.
- Cuddon .J.A (2013), *a dictionary of Literary Terms and Literary Theory*, Willy-Blackwell.

- Dalu, Jones & George, Michell (1976), *The arts of Islam : Hayward Gallery, 8 April-4 July 1976*, London : Arts Council of Great Britain.
- Jauss, Hans-Robert (1982), “*Literary History as a Challenge to Literary Theory.*” *Critical Theory since 1965*, .ED. Hazard Adams& Leroy Searle. Transl. Timothy Bathi. Tallahassee, Florida: University Press of Florida.
- Rafey. Habib (2005), *A history of literary criticism: from Plato to the present*, Malden:Blackwell.
- Trimble, Jennifer (2015). *Article of Reception theory from book of The Oxford Handbook of Roman Sculpture*, Oxford: Oxford University press.
- Wilkinson, Charles (1973), *Nishapur: pottery of the early Islamic period*, New York: Press of A.Colish, Inc.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی